

باغی که می توانستیم در آن نفس تازه کنیم

شرق: انتهای خیابان عنصری ۹ مشهد به بن‌بستی می‌رسد که تاریخ در انتهای آن متوقف شده است. به این فصل از تاریخ کسی بیش از یک قرن پیش نامی عجیب داد: «خونی».

«خونی» در حقیقت آخرین و تنها نمونه باقیمانده از نسل باغ‌های ایرانی در مشهد است؛ باغی با بیش از یکصد سال عمر که در طول همین یک قرن بارها درگیر ماجراهایی متفاوت شده است که تا همین امروز هم ادامه دارند. به جرات می‌توان ادعا کرد برای همه اتفاقاتی که یک پای آنها این باغ است، می‌توان کتابی نوشت در سه فصل که خلاصه آن گزارشی شد که در ادامه می‌خوانید.

ناصرالدین‌شاه قاجار در همان روزهای اوج حکومتش، وقتی برای اولین‌بار سر اسبش را سمت خطه خراسان کج کرد و آمد مشهد، در باغی توقف کرد که در سفرنامه‌اش آن را با دو کلمه توصیف کرده است: «معروف» و «باصفا».

یکی از آن فرنگی‌های ایران قدیم‌دیده، که عاشق سفر و سفرنامه‌نویسی بوده است و ایرانی‌های آن دوران نامش را به سختی تلفظ می‌کردند؛ «کلنل سی‌ام مک گرگر»، هم در مورد این تکه از تاریخ در سفرنامه‌ای که به تاریخ ۱۲۹۳ ه‍.ق به ثبت رسیده، نوشته است: «در مراجعت به مشهد در باغ باصفایی در جنوب مشهد اقامت کردم. نام باغ تا حدی برایم نغرت‌آور بود. باغ خونی یا باغ خون. در برجی اقامت کردم که در ایران به کلاه فرنگی مشهور است. جایگاه من شامل یک برج هشت‌ضلعی دوطبقه بود. طبقه اول را به صورت انباری درآوردم و ساعات روز را در طبقه دوم می‌گذراندم و شب را بالای بام می‌خوانیدم.» همه اینها حکایت از سابقه تاریخی این باغ دارند.

جای پای روس‌ها در باغ ایرانی

بر اساس متون تاریخی در سال ۱۳۱۱ ه‍.ق طبق عهدنامه‌ای مقرر شد ایران مکانی برای کنسولگری روسیه در اختیار این دولت قرار دهد. روسیه باغ خونی را انتخاب کرد و ژنرال قنسول آن دولت در مشهد به نام «سرکس میکولوتوف» تقاضای ثبت آن را کرد، اما به لحاظ ممنوعیت مالکیت غیرایرانی، این امر میسر نشد. بنابراین طبق بندهای ۹ و ۱۲ عهدنامه به دلیل اینکه این ملک متعلق به دولت ایران بوده است و اتباع خارجی و بیگانگان اجازه تملک اموال غیرمنقول را نداشته‌اند، مالکیت روسیه بر ملک باغ خونی عملاً منتفی شد و تنها به صورت اجاره در اختیار آنها قرار گرفت.

در دوران پهلوی اول و بعد از پایان جنگ جهانی دوم، دولت ایران خواستار تخلیه بناهای در اختیار سفارت روس شد که یکی از آنها باغ خونی بود. البته این خروج به سادگی انجام نمی‌شود چرا که روس‌ها به موجب بند نهم عهدنامه ۱۹۲۱ از سال‌ها قبل در این باغ و البته پارک اتابک تهران لنگر انداخته بودند و زیر بار خالی کردن آن نمی‌فرتند. آنها ادعا می‌کردند هنوز این دو مکان در اختیار کنسولگری این کشور است. این در حالی بود که دولت ایران از سه سال قبل حکم به تعطیلی کلیه کنسولگری‌های شوروی در این کشور داده بود.

بعد از کشمکش‌های بسیار بالاخره روس‌ها از این مکان دل می‌کنند تا اولین سندی که برای این باغ در سال ۱۳۱۷ در اداره ثبت اسناد و املاک مشهد مهر می‌خورد به نام «اداره مالیه شهرستان مشهد» به نمایندگی از بانک ایران باشد. گویا در آن زمان روس‌ها به تدریج قوای نظامی خود را از باغ خارج کرده و آن را به بانک استقراضی روس و ایران می‌دهند.

بعد از انقلاب هم که بانک‌ها ملی می‌شوند، املاک و مستغلات ایران قدیم به بانک کشاورزی منتقل و این بانک مالک باغ می‌شود.

گلوله‌های شرنپلی

از شنیدن نام «خونی» حسی متضاد زیر پوست آدم می‌دود. در حقیقت آنچه این باغ را بیش از همه در ذهن مردم زنده نگه داشته است، گلوله‌هایی است که از دل آن به سمت حرم رضوی شلیک می‌شود. این مربوط می‌شود به سال ۱۳۲۰. می‌خورد به نام «اداره مالیه شهرستان مشهد» به نمایندگی از بانک ایران باشد. گویا در آن زمان روس‌ها به تدریج قوای نظامی خود را از باغ خارج کرده و آن را به بانک استقراضی روس و ایران می‌دهند.

بعد از انقلاب هم که بانک‌ها ملی می‌شوند، املاک و مستغلات ایران قدیم به بانک کشاورزی منتقل و این بانک مالک باغ می‌شود.



البته به اذعان کارشناسان وجه تسمیه این باغ با واقعهای که به آن اشاره شد هیچ ارتباطی ندارد و پیشینه این نام به سال‌ها قبل از این واقعه برمی‌گردد. در واقع «خونی» نه به عنوان صفت بلکه به شکل عام به این مکان اطلاق شده و هم‌ردیف «خونیک»، خانیک و «خون» به معنی «چشمه» است. البته کسی که این نام را برای این باغ انتخاب کرده است، حتی پیش خودش تصور هم نمی‌کرده که «خونی» در طول تاریخ این طور کاربرد کنایی پیدا کند.

آخرین از یک نسل

می‌گویند مشهد قدیم مثل نسخه امروزی‌اش پر از ساختمان‌های تا به تا، خیابان‌های درهم و بافت شلوغ و بی‌نظم نبوده است. آن روزها می‌شد به سادگی چند نمونه درست و درمان و مشابه از باغ خونی را در این شهر دید؛ باغ‌هایی چون عنبر، سنگی، مستشارالملک و... این وسط اما به نظر می‌رسد «خونی» تنها نسخه باقیمانده از نسل خودش باشد.

این باغ را به روش باغ ایرانی و به شکل چهارباغ اجرا کرده‌اند، به این گونه که عمارت مرکزی و اصلی آن در محل تقاطع دو خیابان اصلی باغ قرار داشته که دو سوی خیابان‌ها را درختان مختلف و گل و گیاه فراگرفته است. خلاصه اینکه می‌شده هنر معماری ایرانی را در این بنا به خوبی مشاهده کرد. این مجموعه را به خاطر همه داشته‌های تاریخی‌اش در سال ۱۳۷۹ به شماره ۳۲۴۰ در فهرست آثار ملی جای دادند.



در سال ۱۳۲۰ روس‌ها برای اولین بار باغ خونی را به بانک استقراضی روس و ایران می‌دهند.

پرونده یکی از میراث قجرها هنوز هم ماجراساز است

داستان دنباله‌دار باغ خونی

◀ **فاطمه آستانی- امیرمفرزاده**

چند سال پس از ثبت باغ خونی در فهرست آثار ملی (سال ۱۳۷۹) بانک کشاورزی به صرافت می‌افتد ملک ارزشمند خود در بن‌بست نهم عنصری را پس بگیرد، اما با حضور ارگان‌های نظامی و انتظامی در باغ مواجه می‌شود که به دلایل شرایط سیاسی کشور بعد از انقلاب، این محدوده را در اختیار گرفته بودند.

پس این بانک در ۱۳ فروردین ۷۸ به واسطه بی‌نتیجه ماندن نامه‌نگاری‌هایش به نیروی انتظامی و سایر ارگان‌های مربوطه ناچار به شکایت می‌شود که دادگاه پس از بررسی پرونده در حکمی به شماره دادنامه ۱۰۵/۱۰۵ اعلام می‌کند: «مالکیت خواهان (بانک کشاورزی) نسبت به رقبه و قائم مقامی این بانک نسبت به بانک استقراضی ایران و روس برابر با مقررات مالی شدن بانک‌ها و ادغام برخی از آنها در یکدیگر و همچنین اساسنامه بانک کشاورزی برای دادگاه محرز و مسلم است که با عنایت به تصرفات خوانده (نیروی انتظامی) در ملک مورد دعوا برابر با اظهارات نماینده خوانده در دادگاه به خلع ید از شش دانگ ملک دادخواست اقدام نمایند»

این حکم ۳۱ فروردین همان سال صادر می‌شود، اما نیروی انتظامی نه‌تنها زیر بار خالی کردن ملک نمی‌رود بلکه اقدام به ساخت و ساز و حتی تقسیم باغ به دو قسمت مجزا می‌کند. کمی بعد هم خبر طراحی پروژه بزرگ‌تری می‌رسد که با فشار شهرداری آن برنامه مسکوت می‌ماند. اگر امروز فرصت پیدا کنید و از مرز ممنوعه این باغ بگذرید، در بخشی از آن به جای همه آن درخت‌های سبز و سر به فلک کشیده، سیمای آجری سوله‌های متصرف باغ را می‌بینید.

شالوده اثر را تخریب نکرده‌اند

صرف نظر از همه دعوایی که بر سر مالکیت و در استفاده از این ملک جاری است، اصل تاریخی بودن این بنا از اهمیت زیادی برخوردار است، آنقدر که در ۱۳ دی‌ماه ۷۹ به عنوان یک اثر ملی به ثبت می‌رسد. همین موضوع باغ خونی را به میراثی کشوری تبدیل کرده است که دغدغه نگهداری‌اش برای میراث‌دوستان پابرجاست و مسوولیت این امر هم بر عهده سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی است. لشگری رئیس این سازمان در این‌باره به گفتن چند جمله بسنده می‌کند: نسبت به وضعیت این باغ و شرایط نگهداری این میراث ملی و حفظ حریم آن نگرانیم و تنها راه اطمینان از حفظ این اثر هم مشخص شدن مالک اصلی آن است.

این مقام مسوول این فضای تاریخی و رویداده‌محور را بستتر خوبی برای تبدیل شدن به یک فضای فرهنگی و حتی موزه‌ای توصیف می‌کند؛ مطلبی که حسین عباس‌زاده معاون میراث فرهنگی این سازمان هم بر آن تاکید دارد. او ابهام در مورد مالکیت دقیق این باغ را یکی از مشکلات آن می‌داند و می‌گوید: آن طور که عنوان شده بخشی از این باغ متعلق به بانک کشاورزی و قسمتی هم در اختیار نیروی انتظامی است.

او بر نظارت این سازمان بر حفظ این میراث ملی تاکید دارد و از بازدیدهای یگان حفاظت این سازمان از این مجموعه خبر می‌دهد.

این مقام مسوول در خصوص دخل و

از اظهارنظرهای شخصی پرهیز کنیم

شرق: واکنش عباس‌زاده معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی به صحبت‌های صورت‌گرفته، تاکید بر خودداری مسوولان از اظهارنظری غیرکارشناسی است: «حریم باغ خونی در شورای عالی ثبت کشور مصوب شده و از طریق معاون رئیس‌جمهور به استاندار و از سوی وی به سازمان‌ها ابلاغ شده تا طبق دستورالعمل و آیین‌نامه مربوط به این دست بناها در خصوص بافت پیرامونی آن اقدام لازم صورت گیرد.»

به بیان او این موضوع به تأیید کمیسیون ماده ۵ نیز رسیده است و قوانین جاری نیز مصوب توافقات صورت‌گرفته در این کمیسیون است که همه سازمان‌ها و نهادها هم ملزم به اجرای آن هستند. او از مسوولان شهری می‌خواهد با اظهارنظرهای شخصی و غیرکارشناسانه اعتبار یک اثر تاریخی را زیر سوال نبرند. به بیان او

تعامل خوبی میان میراث فرهنگی و شهرداری پیرامون مسائل جاری در جریان است. این مقام مسوول تاکید دارد تمامی اقدامات

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و امور

اداری شورای شهر در این زمینه با انتقاد از

ریاست سابق سازمان میراث فرهنگی ابراز

داشته بود: در زمان مسوولیت ایشان اعلام

کردند هر کس میراث فرهنگی بیشتری به

ثبت برساند، کارانه بیشتری خواهد گرفت و

این مساله باعث شد آثاری که اصلاً فرهنگی

نبودند، به‌عنوان آثار ملی اعلام شوند.

اسماعیل مفیدی ادامه داده بود: در منطقه

ثامن به غیر از کاروانسرای عزیزالله‌اف کدام

یک آثار ملی است که میراث فرهنگی همه

خیابان‌ها را بسته است؟ ضمن آنکه باغ

خونی مصوبه شورای عالی فرهنگی کشور و

هیات دولت را ندارد و صرفاً سازمان میراث

فرهنگی اقدام به ثبت ساختمانی کرده که در

اواخر دوره قاجار ساخته شده و کنسولگری

روسیه بوده است.

وی افزوده بود: به دلیل اینکه این اثر را

در زمره آثار ملی به ثبت رسانده‌اند، تا ۱۰۰

متر اطراف این باغ، مردم را از حق تراکم

مصوب محروم کرده‌اند و کمیسیون ماده ۵

هم بر اساس درخواست میراث فرهنگی این

محرومیت را ایجاد کرده و شهرداری در این

مورد رضایتی نداشته است. استاندار اسبق

خراسان گفت: باغ نادری به حرمت نادر در

زمره آثار ملی به ثبت رسیده است، اما چرا

میراث فرهنگی در مورد این باغ و بناهای

بلندی که در اطراف آن ساخته شده، کاری

نکرده و خطاری نداده است، اما در باغ خونی

که اثر ملی نیست، حق مردم در حال تضییع

شدن است.

این عضو شورای اسلامی شهر مشهد ادامه

داد: کسانی که باغ خونی را به عنوان میراث

فرهنگی به ثبت رسانده‌اند، جاهل هستند و

دیوان عدالت اداری هم در سه پرونده ثبت،

رای جاهلی میراث فرهنگی را باطل اعلام

کرده است.

در ادامه این جلسه شهردار مشهد و

رئیس کمیسیون فرهنگی از کیان فرهنگی

این بنا دفاع کرده بودند اما نتیجه این شد

که در نهایت این یک خط به تصویب برسد:

«شهرداری مشهد مکلف است در جهت

رعایت حقوق مردم نسبت به بررسی تراکم

مصوب املاک پیرامون باغ خونی اقدام و

پیشنهاد خود را حداکثر در مدت یک ماه

برای تصویب به شورای اسلامی شهر مشهد

ارائه کند. (تاریخ صدور: ۱۳۸۹-۹-۱۶ /

شماره مصوبه: ۳۵/۴۵/ش)» از این مدت

چیزی باقی نمانده است. این وسط به‌نظر

می‌رسد مسائلی که این باغ تاریخی با آن

درگیر است، پیچیده‌تر از اینها هستند.

مهلت بازنگری داده‌ایم

عباس شیرمحمدی رئیس شورای اسلامی

شهر مشهد در واکنش به آنچه همکاری

گفته، در ابتدا بر ارزش و جایگاه تاریخی باغ

خونی صحه می‌گذارد و بعد هم می‌گوید: در

بحث ارزش تاریخی این مجموعه کارشناسان

باید اظهارنظر کنند. به بیان او از نظر قانونی

این اثر ثبت شده و دارای شماره است و با

وجود اینکه متصرف این باغ مشخص است،

اما برای مال مالک باغ مشخص نیست و این

برعهده سازمان میراث فرهنگی است که به

دنبال حل و فصل مشکل مالکیت و تصرف

این باغ باشد.

وی با اشاره به مهلت یک ماهه داده‌شده به

شهرداری درخصوص طرح خانه‌های پیرامون

باغ نیز در توضیحاتی عنوان می‌کند: در دو

هفته گذشته شورای شهر مصوبه‌ای داشت

که طبق آن شهرداری مکلف شده است در

طرح جدید املاک پیرامون باغ که به تأیید

کمیسیون ماده ۵ رسیده است، بازنگری

انجام دهد و با بررسی‌های انجام‌داده طرحی

را که رعایت حال مردم در آن بیشتر باشد،

ارائه کند.

به بیان او این مصوبه شهرداری را موظف

کرد نسبت به بررسی تراکم مصوب در

پیرامون باغ خونی اقدام و پیشنهاد خود را

ظرف مدت یک ماه به شورای شهر ارائه کند.

حریم باغ خونی کجاست

اما برای آنکه از چند و چون بیشتر ماجرای

ساختمان بلکه کلیه باغ و ساختمان و پلاک باغ

خونی اثر تاریخی و ثبت‌شده میراث فرهنگی است

و تعرض و تخلف در خصوص این باغ مشمول

مجازات کیفری است.

وی با انتقاد از نحوه رسیدگی به آثار ثبت‌شده

تاریخی در شهر مشهد افزود: نمی‌شود سازمان

میراث فرهنگی پلاکی را بر روی بنایی به عنوان

پلاک تاریخی بگذارد و بنا را به حال خود بدون

هیچ توجه و مراقبتی رها کند. نتیجه در این گونه

موارد این می‌شود که به بهانه ترکیب‌گی لوله آب،

بنا تخریب و مجوز ساخت بناهای جدید جای

اثری تاریخی صادر می‌شود.

وی با اشاره به وضعیت کنونی باغ خونی

می‌گوید: در حال حاضر پنج هکتار این باغ

متعلق به بانک کشاورزی و دو هکتارش در

اختیار نیروی انتظامی است که از سال ۱۳۷۲

آن را در اختیار دارد.

نوری با اشاره به تلاش‌های شهرداری برای

بازگرداندن این باغ ملی به شهروندان مشهدی در

خصوص اقدامات شهرداری درباره این باغ تصریح

نموده‌است.

این باغ بعد از فراز و نشیب‌های بسیار در

طول یک قرن همچنان از دسترس مردم دور

است و در غیاب مدیریتی درست، فصل بی‌برگی

خود را می‌گذراند.



نمای داخلی دروازه ورودی باغ خونی